

جیمز ال. وسکوت

باغهای گورکانی هند و علوم جغرافیایی

گذشته و حال^۱

ترجمه پویان شهیدی

طی قرن دهم / شانزدهم، طراحی محیطی گورکانیان هند از باغ به منزله جایگاه اصلی تجربه جغرافیایی فاصله گرفت و به سوی طرحهای وسیع تر شهری و منطقه‌ای رفت که نقش باغ در آنها نازل بود. پژوهشهای پیشین نشان داده است که چگونه باغهای اولیه گورکانی (۱۵۰۰-۱۵۵۰م) به منزله مراکز زندگی اجتماعی به کار می‌آمدند،^۲ چگونه در شکل و کارکرد و معنا با موقعیتهای جدید جغرافیایی سازگار می‌شدند، و چگونه حوزه‌های پیرامونشان را دگرگون می‌کردند.^۳

اصطلاح «باغ» به محوطه‌هایی اطلاق می‌شد که گستره اندازه‌شان از زمینهای کوچک پوشیده از گیاه تا مجموعه‌های وسیع سلطنتی را شامل می‌شد. برخی از باغها طرح متقارن، عناصر تزئینی تکرارشونده، و دیوارهای بیرونی بلند داشتند؛ برخی دیگر را آزادانه در اطراف چشمه‌های طبیعی، نهرهای پرپیچ‌وخم، باغچه‌های معمولی، و چشم‌اندازهای باز طرح‌ریزی می‌کردند. دلالت‌های ضمنی زبان باغ نیز دامنه‌ای گسترده داشت. کنایات شعری و صنایع ادبی تقریباً هر موضوع بسامان و زیبایی را شامل می‌شد؛ از جمله اشخاص، نواحی، پادشاهیها، و نیز انواع باغهایی که شرحشان رفت. مقاصد سیاسی، اقتصادی، و دودمانی غالباً همراه و گاه جانشین نمادهای بهشتی باغهای اسلامی بوده است. مکانها، صورتها، کارکردها، و معانی پیوسته با باغهای گورکانی هند تنوع گسترده‌ای دارد و برخی از این تنوعات را می‌توان از طریق تفاوت زمینه جغرافیایی‌شان توضیح داد.

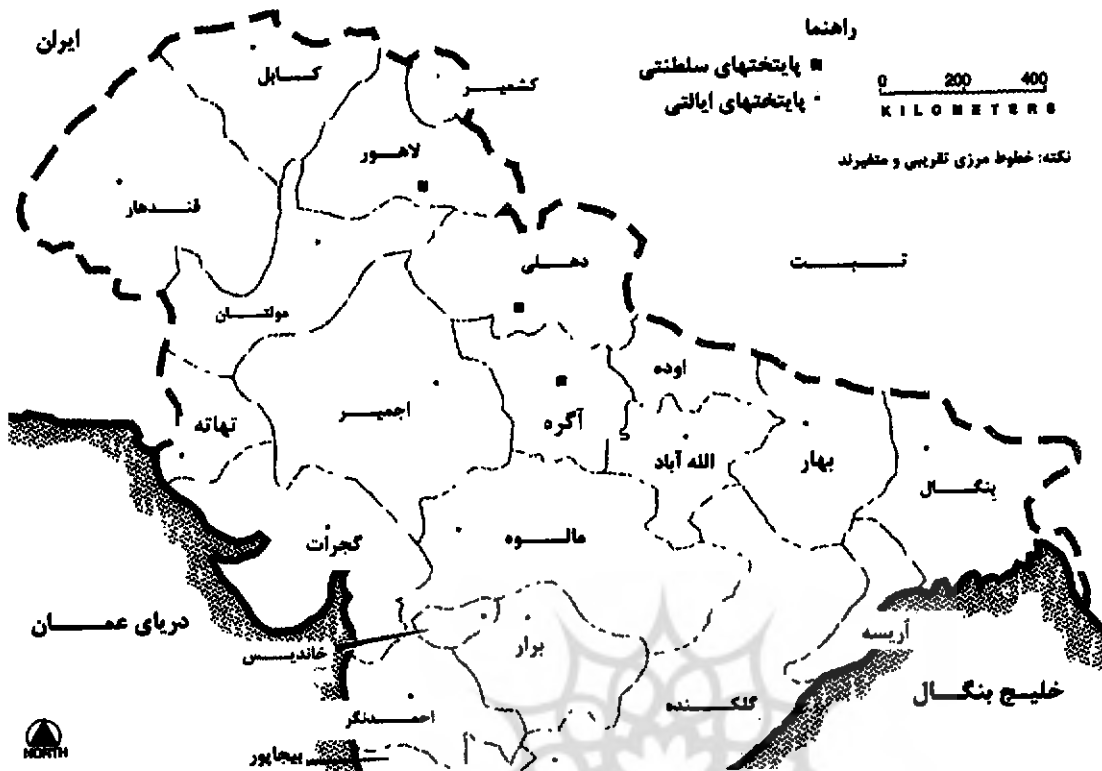
کاری که طی پنج سال گذشته انجام گرفت به ما کمک کرد تا از تعاریف ساده سرزمین‌داری^(۱) فراتر رویم؛ تعاریفی همچون: «راهبردی که از طریق آن، شخص یا گروهی با تعیین مرز و تحت اختیار درآوردن منطقه‌ای جغرافیایی، می‌کوشد در مردم و پدیده‌ها و مناسبات اثر بگذارد و نفوذ کند، یا بر آنها مسلط شود»^۲ وظایف باغ در اوایل قرن دهم / شانزدهم چنین بود: (۱) موضعی برای تسلط بر سرزمینی (مثلاً برای اردوگاه لشکر یا محاصره نظامی)؛ (۲) مکانی برای رویدادهای به شدت وابسته به سرزمین (مثلاً مکانی برای برگزاری جشن فتح ناحیه‌ای وسیع، لذت بردن از چشم‌اندازی مشهور، یا پناه گرفتن هنگام شکست)؛ (۳) علامت یا نشان هویت

باغ در اوایل دوره گورکانیان در هند جزء مهمی از برنامه جغرافیایی و مکان‌شناسی منطقه‌ای بوده اما در اواخر آن دوره، در نیمه دوم سده دهم / شانزدهم، این نقش را رفته‌رفته از دست داد و رابطه میان باغ و سرزمین‌داری دگرگون شد. هدف از بررسی تاریخ باغ و معماری منظر، از جمله در هند دوره گورکانی، روشن کردن مسائلی است که کمابیش امروز نیز در معماری منظر و مدیریت سرزمین مهم است. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان دانش تاریخی باغها را به راهنمایی برای طراحی امروز بدل کرد.

اگر به این معضل تاریخی به منزله معضل طراح امروزی برای درس گرفتن از تاریخ بنگریم، شاید بتوان با بررسی باغهایی چون باغ میان‌خان در نزدیکی لاهور، مجموعه باغ برادری کامران در وسط رود راوی در لاهور، باغ شالیمار در حومه لاهور، که هر سه از مهم‌ترین موارث جهانی در تاریخ باغ‌سازی و معماری منظر است، به وجوهی از این معضل پی برد.

با بررسی تاریخ باغ گورکانی می‌توان به برخی از مسائل مشابه باغ در امروز و دیروز پی برد و از راه‌حلهای تاریخی برای حل مشکلات امروزی استفاده کرد. یکی از راههای این بررسی مقایسه سه متن مهم مرتبط با باغ گورکانی است: *با برنامه*، متعلق به اوایل قرن دهم / شانزدهم؛ *اکبرنامه* و *بین‌اکبری* متعلق به اواخر آن قرن. این سه کتاب را می‌توان به ترتیب حسب حال، تاریخ رسمی، و دانشنامه دیوانی نامید. از این کتابها، دانش بسیاری درباره باغ در دوره گورکانیان به دست می‌آید. برای اینکه یافته‌های خود از این متون و نیز از بررسی باغهای تاریخی را برای حل مسائل روز به کار بگیریم، نیازمند علم مقایسه‌ای علمی که در پدید آوردن راههای برای حل مشکلات حادی که باغهای گورکانی و نواحی پیرامونشان را فراگرفته است، از جغرافیای تاریخی و تاریخ‌نگاری و تحلیل کمک بگیرد.

(1) territoriality

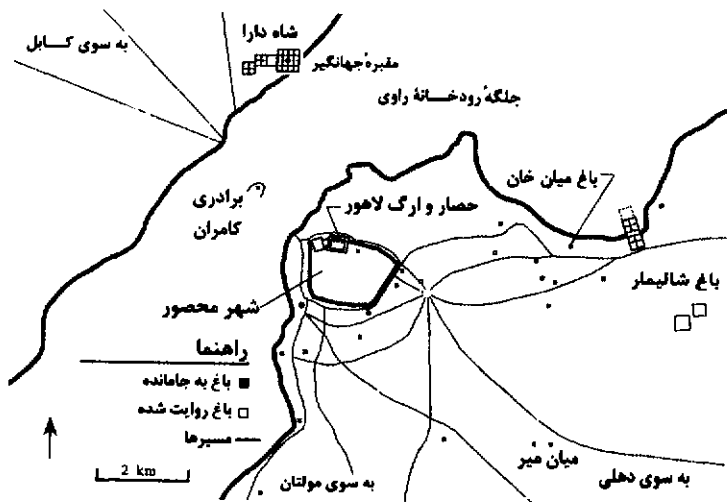


هیچ‌یک از زیارت‌های اکبرشاه از مقبره همایون، وصفی از باغ آن نشده است. باغ که زمانی به بابر برای آشنا شدن با سرزمین‌های بیگانه کمک کرده بود، در حکومت رو به گسترش گورکانی نقشی تخصصی به دست آورد. حکومتی که به فنون نقشه‌برداری، فرهنگ‌های جغرافیایی، و ثبت و ضبط عواید دولتی مجهز بود.

با اینکه حکومت گورکانی، در مقایسه با اسلافش در میان عربها و حکومت‌های آسیای مرکزی، در علوم جغرافیایی کهن، شامل کیهان‌نگاری و نقشه‌نگاری و توصیف مکان‌نگاشتی چندان توفیقی نداشت؛ در امور دیوانی مربوط به اداره سرزمین در جنوب آسیا اثری ماندگار گذاشت. گستره سهم مسلمانان در جغرافیا از قرن چهارم / دهم به بعد عبارت است از: کیهان‌نگاری، نجوم، گزارش‌های جغرافیایی جهانی (اقلیمها و کشورها)، فرهنگ‌های جغرافیایی (مناطق، شهرها، جغرافیای طبیعی)، زمین‌سنجی، کتابهای دریانوردی، توصیفات منطقه‌ای (گزارش‌های دیوانی، تاریخ‌های طبیعی، کتابهای مکان‌نگاری)، سفرنامه‌ها (راهها و منازل [نظامی])، راهنماهای تجارت و سفر، زیارت‌نامه‌ها، و سیاحت‌نامه‌ها، و بالاخره اطلاعات جغرافیایی در گونه‌های دیگر

سرزمینی (مثلاً موطن‌های تیموریان، شهرهای تیموریان، و سرزمین‌های تازه‌مفتوح تیموریان)؛ ۴) گره در شبکه یا نظام سرزمینی (یعنی شبکه یا نظامی که در آن باغ‌های تازه به تعیین و پشتیبانی جغرافیایی فعالیت سیاسی یاری می‌رساندند)؛ ۵) استعاره مکانی برای سرزمینی بسامان (مانند باغ‌های تفریح ساحلی در آگره و سرزمین باغ‌مانند کشمیر). این ابعاد سرزمینی در طراحی باغ نشان‌دهنده گونه‌ای ابتدایی از علوم جغرافیایی است.

به‌هرحال، در نیمه دوم قرن دهم / شانزدهم و در جریان شکل‌گیری ایالت‌های گورکانیان، روابط میان طراحی باغ و جغرافیای سیاسی تغییر یافت (ت ۱). با اینکه باغ در مقام نوعی بنا هنوز مهم بود؛ از لحاظ کالبدی در ذیل مجموعه‌هایی وسیع‌تر در قلعه آگره و فتحپور سیکری و برنامه‌های گسترده‌تر تحقیقات جغرافیایی درآمد. برخی از عناصر طراحی باغ اصلاح شد؛ اما در مجموع اهمیت باغها در ساخت‌وساز روزانه سرزمین در حال کاهش بود. نقش رو به گسترش باغ به منزله مکان تدفین، که با مقبره همایون آغاز شد، حاکی از آن است که چگونه در فعالیت روزمره سلطنتی، افزایش اهمیت غادین باغ با کاهش اهمیت کارکردی‌اش ملازم بوده است. مثلاً در [گزارش]



ت ۲. باغهای به جامانده
گورکانی در لاهور

(2) Baron von Hugel

(3) Vigne

و مشکلاتی که به آن پیوسته است، توجه به چند مثال از لاهور، شهر باغهای گورکانی، مفید است (ت ۲).

اولین نمونه باغ میان خان است که در مسیر جاده قدیمی قلعه لاهور به باغ شالیمار واقع شده است. در نقشه‌های قرن نوزدهم، کل این دالان به صورت رشته‌ای از باغها تصویر شده است.^{۱۰} پنج سال پیش فقط یک باغ برجای مانده بود. این باغ کوشکی از مرمر سیاه، مسجد، آب‌انبار، دیوار، و سطوح‌های پارچا داشت^{۱۱} و از نوسازیهای پرتراکم مسکونی و تجاری باقی مانده بود. ساختارهای اصلی این باغ همچنان باقی است؛ اما با سست شدن محدودیتهای ساخت‌وساز، باغ در برابر طرحهای خانه‌سازی و مالکیت خصوصی زمین، که مسئولان عمران لاهور تا حدودی از آن حمایت می‌کنند، تاب نیاورده است. در قسمتهای مجاور شهر، مسئولان شهرداری تصرفات و آبادیهای غیرقانونی («کتچی آبادی‌ها») را برچیده‌اند.

علوم جغرافیایی، نقشه‌کشی، نقشه‌برداری، و شهرسازی نیز تا اندازه‌ای وقوع چنین جریانهایی را در حومه پرباغ لاهور تسهیل کرده است. طرحهای عمرانی خسارات زیادی به مکانهای تاریخی وارد می‌کند؛ اما نمی‌تواند با نیاز گسترده‌تر مردم طبقات پایین و متوسط به زمین برای سکونت همگام شود. دستاورد کارهای عمرانی در باغ میان خان چه بوده است؟ چه چیز از میان رفته است؟ از آن چشم‌انداز تاریخی چه مانده است؟ آیا برای تصرفات مهارگسیخته، طرحهای عمرانی، و استرداد اجباری زمین در محوطه‌های تاریخی جانشینی هست؟

نوشته‌ها (مانند زندگی‌نامه، حسب حال، تاریخ، اخبار، گزارشهای جاسوسی).^۵ از میان این شاخه‌های گسترده جغرافیایی، گورکانیان فقط در سه شاخه سهمی جدی داشته‌اند: توصیفات دیوانی منطقه‌ای، راهها و منازل سفر، و اشارات گوناگون در گونه‌های دیگر نوشته‌ها. اما این هر سه شاخه موجب پیشرفت اهداف سرزمینی اواخر قرن دهم/ شانزدهم و جانشین نقش قدیمی‌تر گزارشهای مربوط به باغ و منظر شد.

چالش پیش روی جغرافیادان تاریخی بررسی شواهد معاصر برای نشان دادن علت و چگونگی این جابه‌جایی در قرن دهم/ شانزدهم است— چالشی که پس از توضیحی مختصر درباره اهمیت آن در اواخر قرن بیستم، بدان خواهیم پرداخت. در هر صورت، تاریخچه باغ گورکانی برای جوامع کنونی چه اهمیتی دارد؟ به این گفته بارون فون هوگل^(۲)، ستیاح قرن نوزدهم که به باغهای کشمیر رفته بود، توجه کنید:

ما را به چشم دو دیوانه نگاه می‌کردند که نگران چیزهایی از قبیل سنگها و گیاهان‌اند. حتی حاکم [کشمیر] به این نتیجه رسید که آقای واین^(۳) حتماً ابلهی به‌تمام معناست که وقتش را برای کشیدن تصویر خرابه‌ای یا بومی بی‌نواپی تلف می‌کند.^۶

چنین قضاوت‌هایی شاید بجا باشد؛ مگر اینکه تاریخچه طراح منظر بر برخی از زوایا و موضوعهایی که امروزه باغهای گورکانیان را فراگرفته است پرتو افکند.

مسئله طراح

رابطه امروزی میان باغهای گورکانی و علم جغرافیا را می‌توان «مسئله طراح» نامید؛ چرا که طراح کارش را از مسئله‌ای عملی آغاز می‌کند که باید حل شود و برای حل آن از روشهای تاریخی و جغرافیایی استفاده می‌کند.^۷ این مسائل مهم است: حفظ میراث، تضادها در کاربری زمین، تضادهای فرهنگی، و سلامت زیست‌محیطی.^۸ باغهای تاریخی را به سرعت تغییر کاربری می‌دهند یا از تجاوز یا بازسازی بیش از اندازه و شدید آسیب می‌بینند. در همایشی راجع به باغهای گورکانی در سال ۱۹۹۲، یک استاد معماری منظر این پرسش را مطرح کرد که چگونه می‌توان دانش تاریخی باغها را به راهنمایی قابل فهم برای طراح بدل کرد.^۹ برای درک اهمیت این پرسش

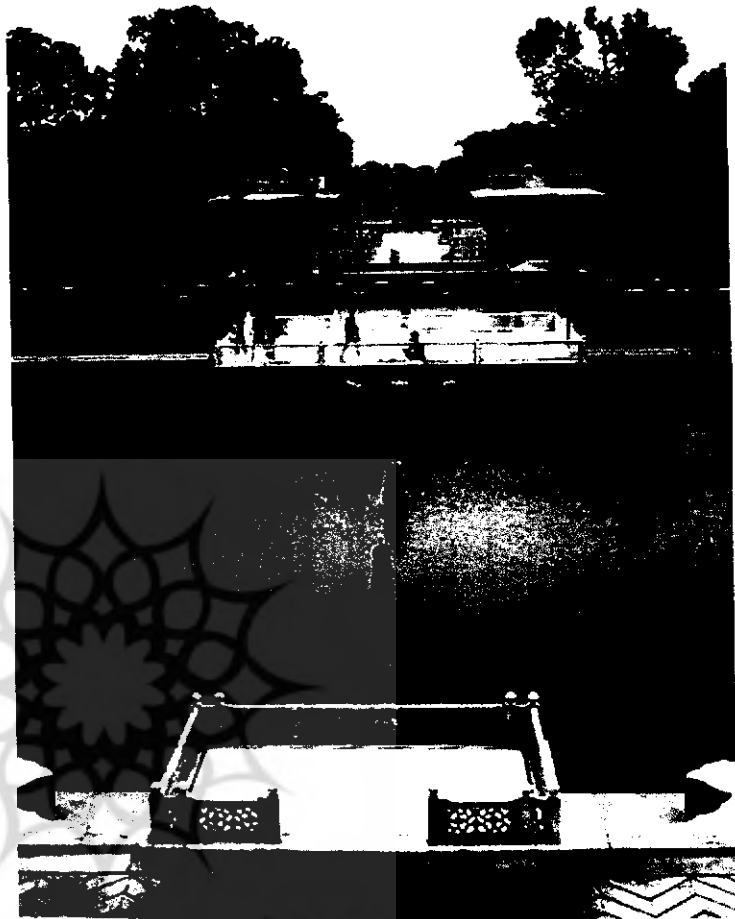


است. در شهر محصور و مقبره جهانگیر، کیفیت حفاظت انجام شده بهتر است؛^{۱۳} ولی حتی طرحهای حفاظت و مرمت شهر محصور با سرعتی سرسام آور انجام شده و به نتایجی درهم رسیده است.

اما چرا با باغ برادری کامران و دیگر محوطه‌های گورکانی این گونه برخورد می‌شود؟ برخی این رفتار را با عملکرد بی‌باکانه و نیکوکارانه حاکمان گورکانی می‌سنجند و بعضی دیگر، در مقایسه‌ای نقادانه‌تر، آن را ماترک گورکانیان می‌شمارند که سرزمینها را با خشونت تصرف می‌کردند و مانهای نمادینش را از نو می‌ساختند [و ارزش نمادین کهنش را از میان می‌بردند]. این قیاسها در چه صورت دقیق و مؤثر و سودمند است؟

آخرین نمونه باغ شالیمار است (ت ۴). این باغ، که در حومه دوردست شمال شرقی لاهور واقع شده است، سه سطح عریض متصل به محور آبی مرکزی و صدها فواره دارد. پژوهشهای اخیر جغرافیایی چگونگی تأثیر شالیمار را در توسعه کلان‌شهر لاهور روشن کرده است.^{۱۴} شهرت این باغ و دیوارهای آن موجب حفاظت قطعی آن شده است. باغ شالیمار در فهرست میراث جهانی ثبت شده و وابسته به شبکه‌های حفاظت از میراث بین‌المللی و نیز شبکه‌های ملی و محلی است.

باغ شالیمار با وجود برخورداری از این سطوح اهمیت، بی‌بوته درگیر ماجراهای کلان‌تری بوده است که دامنه‌ای سرزمینی و پیامدهایی بنیادی دارد. نگهداری از این باغ مقارن است با بازدیدهای رسمی افراد پرنفوذ که شالیمار را کمی از کاربری تفریحی محلی‌اش خارج می‌کند و در معرض توجه ملی و بین‌المللی قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاری دولتی محدود است و استفاده روزانه از باغ رو به فزونی دارد. کاری را که در زمان شاه‌جهان صدها باغبان می‌کردند، امروزه باید پانزده باغبان انجام دهند.^{۱۵}



دومین نمونه برادری کامران^(۴)، مجموعه باغی در وسط رود راوی^(۵)، است. این گونه نشان می‌دهد که علاقه خاص سیاست‌مداران به میراث سرزمینی باغهای گورکانی چه عواقبی در پی دارد (ت ۳). می‌گویند این محوطه شامل باغ و تأسیسات آبرسانی و کوشک— قدیمی‌ترین باغ گورکانی لاهور است.^{۱۶} در سال ۱۹۸۸، برخلاف قوانین موجود و به‌رغم شکایت‌های حقوقی اداره باستان‌شناسی، کل این مجموعه را به دستور حاکم پنجاب نوسازی کردند. عملیات ساختمانی دست‌کم یک‌بار متوقف شد؛ اما وقتی که مشخص شد نیروهای سیاسی حامی طرح قدرتمندتر از دستگاه حکومتی مسئول حفظ این مجموعه‌اند، عملیات دوباره سرعت گرفت. برادری کامران بدترین نمونه نوسازی در تاریخ معاصر لاهور

ت ۳. (چپ) باغ برادری کامران پیش از نوسازی، لاهور، ۱۹۸۷

ت ۴. (راست) باغ شالیمار، لاهور

(4) Kamran's Baradari
(5) Ravi

هیچ تناسبی میان حفاظت از باغ، برنامه‌ریزی شهری، و مدیریت زیست محیطی نیست.

اینها برخی از مشکلات «مؤثر»ی است که امروزه باغهای گورکانی را احاطه کرده است؛^{۱۶} مشکلاتی که رابطه متزلزل میان باغهای تاریخی و محیط شهری جدید را روشن می‌کند. بیشتر باغها در میان مناطق نوساز تجاری و مسکونی شهری بستم مانده‌اند. این باغها یا به کاربریهای سیاسی و خصوصی اختصاص یافته‌اند یا به منزله نمادی از مطالبات سرزمینی «گورکانیان جدید» بازسازی شده‌اند. با اینکه پژوهشهای اخیر درباره باغ به مسائل سرزمینی دوران گورکانی پرداخته؛ اما به مسائل سرزمینی دوران جدید وارد نشده است.

برای فهم و اصلاح این وضع، بررسی روابط تاریخی میان پژوهش در باغهای گورکانی و مسائل جغرافیایی این باغها سودمند است. مطالعات باغ به مثابه زیرشاخه‌ای از تاریخ هنر، تاریخ معماری، یا تاریخ معماری منظر دنبال شده و با زمینه‌های مطالعاتی تاریخ سیاسی یا اقتصادی گورکانیان تعاملی ناچیز داشته است.^{۱۷} در مجموع، زمینه‌های یادشده بسیار بیشتر مورد توجه بوده و در مقایسه با مطالعات فرهنگی، تأثیر به مراتب بیشتری داشته است.^{۱۸} اما در پذیرفتن این نکته نباید عجله کرد. سوبرامانیام^(۶) در مقاله اخیرش راجع به تشکیل حکومت، در نقد پژوهشهای سیاسی-اقتصادی گورکانیان می‌گوید:

[این پژوهشها] در مقایسه با وضعیت تاریخ فرهنگی که در آن دانشگاههای غربی هم‌چنان کارهای جالب توجه فراوانی درباره موضوعاتی چون معماری و نقاشی گورکانی پدید می‌آورند، در تضادی بارز است.

سیس خاطر نشان می‌کند:

این نوشتارها [ی فرهنگی] در تلفیقی ناقص با تاریخ گسترده‌تر سیاسی و اجتماعی و اقتصادی این دوره باقی مانده است.^{۱۹}

فاصله میان اقتصاد سیاسی و فرهنگ در دوران استعمار الگویی متفاوت داشت. بیلی^(۷) در مقاله‌ای با عنوان «شناخت کشور»، محقق-مدیرانی را توصیف می‌کند که

بیشترشان با نسل دارای معرفت عالی شرق‌شناسانه مقارن بودند. اعتبار ایشان به میزان دانش مفصل و

عملی‌شان در جغرافیا، بیماریها، و زندگی مادی هندیان بود که می‌توانستند در اختیار امپراتوری رو به گسترش قرار دهند.^{۲۰}

بیلی تأکید می‌کند که

مطالعه اطلاعات و دانش و ارتباطات طرح جالبی است که ممکن است به حذف فاصله اسفانگیز موجود در میان مطالعات ساختارهای اقتصادی از یک سو و شرق‌شناسی و ایدئولوژی از سوی دیگر کمک کند.^{۲۱}

تحقیق در علم جغرافیا و طراحی باغ ممکن است به پایان یافتن این جدایی کمک کند؛ اما تا به امروز چنین نشده است.

باغهای گورکانی در دوران استعمار آسیب دید.^{۲۲}

باغهای تفریح به علت عبور خط آهن و شن‌ریزی اطراف آن خراب شد. باغهای مقبره‌ای به کلیسا، اقامتگاه، زاغه مهمات، و دفتر اداری، یعنی مظاهر و ثمره‌های امپراتوری، تبدیل شد. در حاشیه‌های پرباغ شهرها، بدون توجه به منظر موجود، تصرف کردند تا کانال و کارگاه و پادگان بسازند. مطالعات باستان‌شناختی هند در مسائل مربوط به طراحی باغ اغلب جای خود را به اداره امور ساختمانی دولتی و سلاقی شخصی مسئولان باستان‌شناسی می‌داد. مطالعات جدید باغهای گورکانی در نخستین دهه

قرن بیستم با توجه به این پیشینه گسترش یافت.^{۲۳} نسل اول مورخان گورکانی بر مشکلات واقعی معماری منظر زمانه خود متمرکز بودند. ا.ج. کول،^(۸) در مقام سرپرست مرکز آثار باستانی، مسئول مستندسازی علمی مقبره جهانگیر و باغ شالیمار و محوطه‌های دیگر با استفاده از شیوه‌های نقشه‌کشی‌ای بود که پژوهش باستان‌شناختی و حفاظت را به هم می‌پیوست.^{۲۴} ای. بی. هول^(۹) در مقالات اولیه‌اش درباره باغهای گورکانی، بی‌توجهی به سبکها و پیشه‌های باغ‌سازی هندی را به باد انتقاد گرفت.^{۲۵} سرانجام در ۱۹۱۳م کانستنس مری ویلیرز-استیوئرت^(۱۰) کتابی راه‌گشا درباره باغهای گورکانیان کبیر نوشت که تاحدی به مسائل شهرسازی دهلی نو می‌پرداخت.^{۲۶}

این گروه اندک‌شمار که به فکر باغهای گورکانی بودند، دغدغه مسائل معماری منظر را نیز داشتند. آنان در عین حال خدمتگزارانی در امپراتوری [بریتانیا] بودند که در حدود مفروضات و عرفهای سلطنتی کار می‌کردند. چندان گواهی در دست نیست که نشان دهد آنان نقش

(6) Subramanyam

(7) Bayly

(8) H. H. Cole

(9) E. B. Havell

(10) Costance
Mary Villiers-
Stuart

فراگیر نیروهای سیاسی- اقتصادی را در مشکلات معماری منظر در زمانه خود درک می‌کرده‌اند. درک آنان به هیچ‌روی در حد درک محقق- مدیران استعماری‌ای نبود که بر علایق تاریخی‌شان به اقتصاد سیاسی گورکانیان و تلاشهای زمان خودشان در بودجه و سیاست متمرکز بودند و چندان توجهی به محققان باغ نداشتند.^{۲۷} محقق- مدیران درباره روابط میان حکومت گورکانیان و بریتانیا عقاید مختلفی داشتند؛ اما با اینکه تاحدی به اهمیت نمادین معماری و شهرسازی توجه می‌کردند، به باغها عملاً بی‌اعتنا بودند.^{۲۸} حتی باستان‌شناسان حرفه‌ای نیز باغ را از استانداردهای حفاظتی‌شان، که در حوزه‌های دیگر پرمایه بود، مستثنا کرده بودند.^{۲۹}

در اواخر دوره گورکانی (۱۷۰۷-۱۸۵۷م)، کتابهایی مجزا درباره باغ وجود نداشت. اشراف و امیران لشکر باغهایی به سبک گورکانیان بنا کردند. آنان مرمت محوطه باغها را به شیوه خاص خود برعهده گرفتند و جشنهای گوناگونی را در این مکانها برگزار کردند. با اینکه در آثار دیوانی و تاریخی و شرح احوال ارجاعات کوتاه فراوانی به باغ به چشم می‌خورد؛ این اشارات از نظر آمیزش باغ و تجربه جغرافیایی به سطح متون و طرحهای اوایل قرن دهم / شانزدهم نمی‌رسد.

باغها و جغرافیا در اوایل دوره گورکانی

جستجوی تاریخی مسئله طراح ما را به پرسشی اصلی باز می‌گرداند و رابطه‌ای امروزی و عملی با آن برقرار می‌کند. پرسش این است که چرا و چگونه در طی قرن دهم / شانزدهم روابط میان باغ و سرزمین‌داری دستخوش تغییر شد؟ شاید بتوان با مقایسه سه متن مهم به پاسخ نزدیک شد: *بابرنامه* که در اوایل قرن دهم / شانزدهم نوشته شد و *اکبرنامه* و *آیین اکبری* که مقارن اواخر این قرن نوشته شد. این سه کتاب را می‌توان به ترتیب: حسب حال، تاریخ رسمی، و دانشنامه دیوانی نامید. اگرچه این متنها تنها منابع این دوره نیست؛ مهم‌ترین متون موجود برای یافتن اطلاعات جغرافیایی این دوره است. هیچ‌یک از این متون در اصل مربوط به باغ یا تحقیق جغرافیایی نیست. در هیچ‌کدام از آنها، از جنبه‌های زراعی، دارویی، یا مالی باغ^{۳۰} سخن نمی‌رود و هیچ‌یک به گستره اطلاعات علوم جغرافیایی اسلامی، که پیش از این شرح آن رفت،

نمی‌رسد. ولی در همه آنها، آنچه را درباره مکان باغها و مسائل جغرافیایی بیشترین اهمیت را در زمان خود داشته است، بیان شده است.

بابرنامه

بابرنامه، زندگی‌نامه [ظهیرالدین محمد] بابر، آمیزه‌ای فوق‌العاده از تجربه جغرافیایی و تجربه مربوط به باغ را به دست می‌دهد. متن شامل توصیفات مکان‌نگاشتی است که در خلال شرحی روایی آمده است. بابر در هر دو قسمت متن، اطلاعاتی را درباره باغ گنجانده است. از آنجا که پژوهشهای پیشین بر قطعات روایی متن متمرکز بوده است، ما توجه خود را به قطعات مکان‌نگاشتی معطوف می‌کنیم.^{۳۱}

بابرنامه توصیفهای مربوط به چهار منطقه تحت تصرف بابر؛ یعنی فرغانه، سمرقند، کابل، و هندوستان را دربرمی‌گیرد. این قطعات از صورت کلی مشترکی پیروی می‌کنند که با اقلیم، کشورهای هم‌مرز، و رودخانه‌ها آغاز می‌شود. بابر پس از ذکر جغرافیای طبیعی کلی و نکته‌های تاریخی، عوارض و مکانهای خاص هر منطقه، از جمله باغهای آن را نام می‌برد.

وی در فرغانه، باغهای طبیعت‌گرایانه‌ای را که در امتداد کف دره‌ها و جلگه‌های آبرفتی اوش و اسفره و کسن ایجاد شده تحسین می‌کند.^{۳۲} براساس چهارچوب سرزمینی‌ای که پیش‌تر مطرح کردیم، این باغها هویت و تجربه سرزمینی فرغانه را شکل می‌داده است. فهرستی که بابر از باغهای سمرقند تهیه کرده طولانی‌ترین فهرست در کتابهای قدیمی گورکانیان است.^{۳۳} او علاوه بر باغها، مراتع و نواحی و حاکمان سابق سمرقند را نیز فهرست کرده است. این باغها یک شبکه دودمانی تیموری و نیز مواضعی برای مدیریت و نظارت در درون این منظر را تشکیل می‌داد. باغهای کابل برای نخستین بار شامل طرحهای خود بابر نیز هست. این طرحها براساس مشاهدات او در سمرقند و هرات است که آنها را در دل توصیفی روشمند از تقسیمات جغرافیایی و راهها گنجانده است.^{۳۴} گزارش کابل، به سبب دربرداشتن اموری درباره عواید دولتی و تجارت، در میان این چهار قطعه بیشترین شباهت را به توصیف دیوانی از منطقه دارد. برعکس، گزارش بابر از هندوستان سرشار از جزئیات بصری است. سخن او از باغها در

۱. اقلیم
۲. درازا و پهنا
۳. خطوط مرزی
۴. رودها (و مسیرها)
۵. آب‌وهوا (و خاک)
۶. محصولات، میوه‌ها (و گلها)
۷. مکانها و رسوم برگزیده
(ذکر آنها در همه صوبه‌ها نیامده:
در آنها گاهی از باغ یاد شده است.)
۸. فهرست سرکارها، محله‌ها و عواید دولتی
(اینها کانون توجه در پژوهشهای جدید بوده است.)
۹. (وقایع نگاری حاکمان محلی)

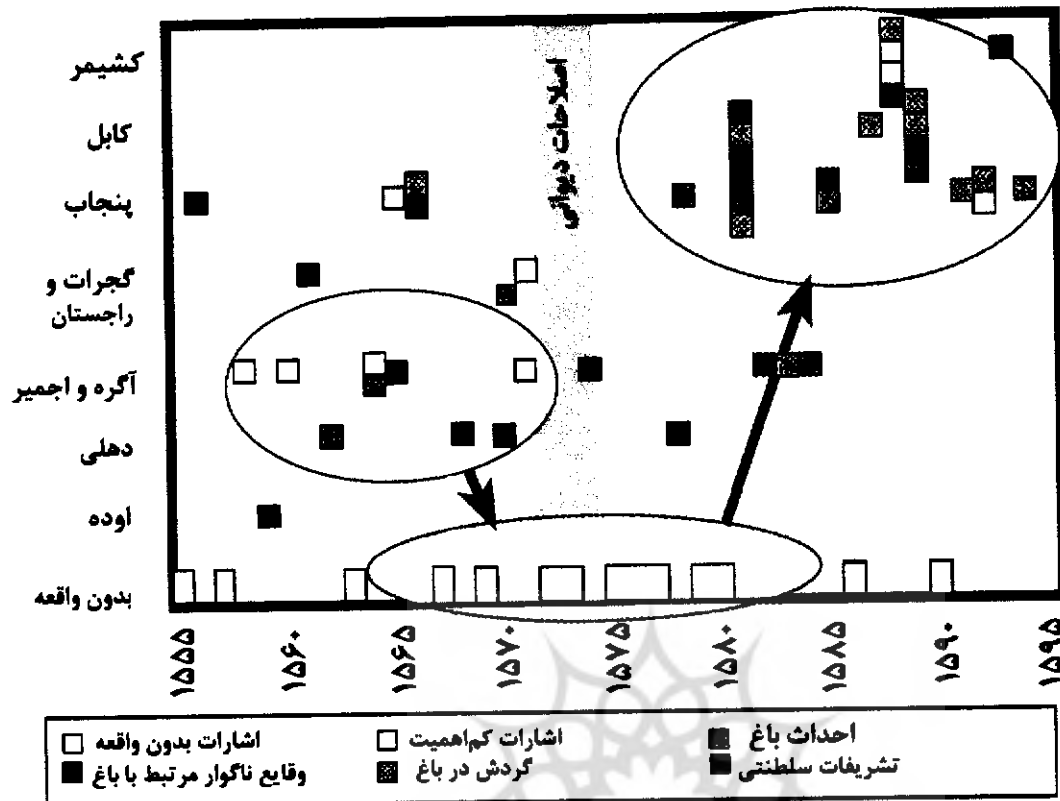
باغهای مشهور لاهور و دهلی نادیده گرفته شده است. در توصیف آگره، سخن از باغ بابر واقع بر ساحل چپ رود یونا ((جون)) به میان می‌آید؛ اما این سخن تاحدودی از آن روست که نزدیکی آن به خانه نویسنده زندگی‌نامه مطرح شود؛ از باغها و بیشه درختان صندل در بُرهانپور و حصار باغی در گجرات که از انجیر خاردار بوده ذکری مختصر به میان آمده است. توصیفهای ابوالفضل از کابل و کشمیر متضمن اشاراتی به باغهاست؛ اما توصیف او از باغهای اطراف کابل عمدتاً برگرفته از *بایرنامه* است. بنا بر این، تنها پیوند تازه و مهم میان متون مربوط به باغ گورکانی و طرز تفکر جغرافیایی که در این کتاب مطرح شده مربوط به کشمیر است که کمی پیش از اتمام *آیین اکبری* فتح شده بود. در کشمیر، مضمون باغ سرزمینی در مقیاس وسیع احیا شد. این ایالت تازه‌مفتوح به «باغ گل سرخ»، «باغ همیشه‌بهار»، و باغ شخصی منطقه‌ای تشبیه شده است. چنان‌که بداثونی می‌نویسد: «سلطان از کابل به سوی کشمیر عزیمت کرد، که آن را باغ شخصی خویش می‌خواند.»^{۲۸} این کار موجب انتقال دائمی کانون باغ‌سازی گورکانی شد و آن را از دره رود یونا برگرفت و به مبادی‌اش در کابل بازگرداند و به جایگاه شکوفایی آینده‌اش در کشمیر رساند (ت ۶).

میان تصاویر شگفت‌انگیز آبیاری، جانداران، میوه‌ها، و گلها جای گرفته است. اگرچه بابر مسحور چشم‌انداز هندوستان شده بود؛ باغهای آن را بی‌نظم توصیف کرده است، که این خود زمینه تلاشهای وی در دگرگون کردن این منظر به همان صورت کابل را فراهم کرد.^{۲۵} این چهار بخش جغرافیایی *بایرنامه* به همه درون‌مایه‌های سرزمینی گورکانیان قدیم؛ یعنی سلطه، تجربه، هویت، و نظام و نظم، می‌پردازد. در مقابل، قسمتهای روایی متن چگونگی استفاده از باغ و احساس حاصل از باغ را در شرایط تاریخی معین آشکار می‌سازد. اگر اشارات جغرافیایی، چگونگی سازگار شدن باغ با منظر را نشان می‌دهد؛ اشارات روایی کارکرد باغ در این چشم‌انداز را بازگو می‌کند.

آیین اکبری

آنچه را *بایرنامه* به شیوه‌ای یکپارچه به انجام رساند، *اکبرنامه* و *آیین اکبری* جداگانه در بر دارد. *اکبرنامه* وقایع‌نامه‌ای سه‌جلدی است شامل عملکرد گورکانیان از دوران بابر تا چهلمین سال فرمانروایی اکبر. جلد سوم *اکبرنامه آیین اکبری* نام دارد. *آیین اکبری* نیز خود سه جلد دارد و در آنها گستره عظیمی از مباحث دیوانی و فرهنگی بیان شده است.^{۲۶} نظام اطلاعات جغرافیایی این کتاب حاکی از نفوذ ابوریحان بیرونی و دیگر جغرافی‌دانان سده‌های میانه است.^{۲۷} جالب اینکه تنها جایی که در آن می‌توان اشاراتی به باغ یافت بخش اصلی مربوط به جغرافیا در جلد دوم است که دوازده ایالت امپراتوری (صوبه‌ها) را توصیف می‌کند. گرچه بسیاری از فصلهای دیگر کتاب مرتبط با باغ می‌نماید (مانند فصول مربوط به اردوگاه، بنا، میوه، و گل)؛ در هیچ‌یک از آنها ذکری از باغ به‌میان نیامده است.

توصیفهای مربوط به صوبه‌ها در جلد دوم *آیین اکبری* آماری از عواید دولت و اطلاعاتی مکان‌نگاشتی به‌دست می‌دهد (ت ۵)؛ اما این اطلاعات جغرافیایی، برخلاف *بایرنامه*، فقط شامل محدود اشاراتی پراکنده به باغهاست. اطلاعات مربوط به آب و محصول و میوه با باغها مرتبط نشده است. در توصیف بنگال، اریسه، بهار، الله‌آباد، آژده، مالوه، پرار، آجیر، دهلی، لاهور، مولتان، هیچ یادی از باغ نشده است. به‌خصوص جای تعجب است که



ت ۶. وقایع مرتبط با باغ در اکبرنامه

اکبرنامه

شواهد مرتبط با باغ در زندگی نامه رسمی اکبرشاه کمتر حاوی جزئیات است؛ اما تحول در طراحی باغ گورکانی را روشن تر می کند.^{۳۱} در تصویر ۶، نقش در حال تغییر باغ در دوره حکومت اکبرشاه تحلیل شده است. این نمودار شش گونه از اشارات مرتبط با باغ را که در این متن آمده است، بر حسب سال و منطقه نمایش می دهد: (۱) تشریفات سلطنتی؛ (۲) احداث باغ؛ (۳) گردش در باغ؛ (۴) نکته های خرد؛ (۵) وقایع ناگوار مرتبط با باغ؛ (۶) اشارات بدون واقعه. نمودار مذکور دو دوره و دو جریان عمده را در توسعه باغ نشان می دهد که با اصلاحات دیوانی سالهای ۱۵۷۲-۱۵۷۴م از یکدیگر جدا شده اند. این زمانی است که در آن تقریباً هیچ واقعه ای در ارتباط با باغ ذکر نشده است (نوار خاکستری رنگ).

در نخستین دهه حکومت اکبرشاه (۱۵۵۶-۱۵۶۶م)، در محتوا و اهمیت وقایع مربوط به باغ تغییر گسترده ای روی داد. در آغاز فرمانروایی اکبرشاه، بابر با عنوان «حضرت گیتی ستانی فردوس مکانی» و همایون «حضرت جهان بانی جنت آشیانی» خوانده شده است.^{۳۲}

گل بدن بیگم، عمه اکبرشاه، داستانی معمول نقل کرده است مبنی بر اینکه بابر می خواست در باغی در آگره خلوت بگزیند.^{۳۱} به همایون خیانت شد و او اغلب در باغها در حال گریز بود. این وقایع قدیمی باغ را با بهشت، مکان خلوت گزینی، پناهگاه، و مکان خاک سپاری پیوند می دهد.^{۳۲}

عملکرد اولیه اکبرشاه نشان دهنده نوعی چندگانگی در خصوص باغ است. در خردسالی، که پدرش در تبعید مایوسانه در صدد بازیافتن طرفداران و سلطنتش بود، به همراه بستگان مؤنثش در باغ سکونت داشت. یکی از زندگی نامه نویسان او می نویسد: «پای در زنجیر پیش دوستان/ به که با نامحرمان در بوستان».^{۳۳} شورشیان اغلب در باغها اردو می زدند و اکبرشاه وقتی در تعقیب آنها بود، در باغها اقامت می کرد.^{۳۴} برخی سخنان مربوط به باغ درباره وقایع ناگواری همچون قتل و سیل است.^{۳۵} اکبرشاه یکی از این سیلها را همچون پیامی الهی بر ضد «این اشتغال به هو» تفسیر کرده است.^{۳۶} در همان حال، او آشکارا از گردش در باغهایی که دیگران ساخته بودند لذت می برد و بعد از تجربه روحانی عمیقی که در شکار

و در شهر پنجاب از سر گذراند، دستور داد باغی بنا کنند.^{۲۷}

بهرغم این تلویحات گوناگون، فرمانروایی اکبرشاه با تاج‌گذاری او به سال ۱۵۵۶م در باغی در پنجاب آغاز می‌شود. مراسمی سلطنتی که با سنت قدیمی گورکانیان کاملاً مطابقت می‌کند.^{۲۸} تاج‌گذاری همراه با استعارات و تشبیهاتی مفصل درباره باغبانی توصیف شده است. همچنین بازتاب باغهای بابر را می‌توان در توصیفی دید که در سال ۱۵۵۸م از باغهای تفرج ساحلی آگره شده و آنها را باغهایی دلریا در دو طرف رود معرفی کرده است.^{۲۹}

باغ- مقبره عظیم همیون نشانه گسستی مهم در طراحی قدیم باغهای گورکانی در هند است.^{۳۰} این باغ در میان دیگر مسائل، آغازگر دور شدن از ساخت‌وساز سرزمینی فعالی بود که از اردوگاههای باغی نشئت گرفته بود. همان‌طور که تصویر ۶ نشان می‌دهد، باغ-مقبره‌ها گاه اهمیت آیینی داشت؛ اما شاید شکوه آنها کماکان جایگاهی مهم در ضمیر خودآگاه سلسله گورکانیان داشته است.^{۳۱} اکبرشاه کاخ-قلعه‌ها و مراکز تشریفات را بنا کرد که در خدمت بینش سرزمینی بالنده‌اش بود و ویژگیهای معماری و صنعتگری شهرهای روهتاس^(۱۱) و مندو و گجرات را گرد آورد.^{۳۲} اکبرشاه پس از بازگشت از مندو «فرمود که در آنجا {در ناگارجین^(۱۲)} در نزدیکی آگره» بناهای فرح‌بخش و باغهای جان‌پرور بسازند.^{۳۳} بدین ترتیب، باغ به جزئی پیراسته در درون مجموعه‌های وسیع شهری تبدیل شد.

مرحله دوم تاریخچه باغ مقارن است با وسعت یافتن بینش سرزمینی اکبرشاه در جریان اصلاحات دیوانی دهه ۱۵۷۰م.^{۳۴} این اصلاحات نظام پیچیده دستگاه لشکری و سرزمینی‌ای را بنیاد کرد که بعدها شرح آن در بخش جغرافیایی *آیین اکبری* آمد. این مسیر شکل‌گیری حکومت با کاهش فعالیتها در زمینه باغ مطابقت داشت. در شش سال از ده سال که اصلاحات را دربرمی‌گیرد، هیچ رویدادی که با باغ در ارتباط باشد ذکر نشده است. اشکال دیگر قدرت سلطنتی و علم جغرافیا جانشین سنتهای قدیمی تر توصیف‌منظر و طراحی باغ شد. این دگرگونی حاکی از آغاز بازگشتی است به سنت تیموری، که در آن باغها را در اطراف و در درون مراکز شهری پررونق و دارای استحکامات ایجاد می‌کردند.^{۳۵}

چند حادثه به تنشهای مربوط به این تغییرات اشاره دارد. بدائونی در انتقاد از دستور بابر به ساخت میلهایی که با شاخ گوزن و دیگر ویژگیهای سرزمین تریزین شده بود، نوشت: «کاش به جای اینها، به ساخت باغ و کاروان‌سرا می‌فرمود!»^{۳۶} مقام رسمی دیگری را هم که از اصلاحات دیوانی انتقاد کرده بود به «عزالت و رهبانیت در باغ خود» واداشتند.^{۳۷} این نظام سرزمینی در حال شکل‌گیری بر طرح کردن مکانهای خاص تأکید کمتری داشت و بیشتر به اداره کردن سرزمین اهمیت می‌داد. همان‌طور که ابوالفضل به هنگام عزیمت اکبرشاه به کشمیر نوشت که او به یک جا دل نمی‌بندد و از هر ولایت ثروتی می‌اندوزد.^{۳۸}

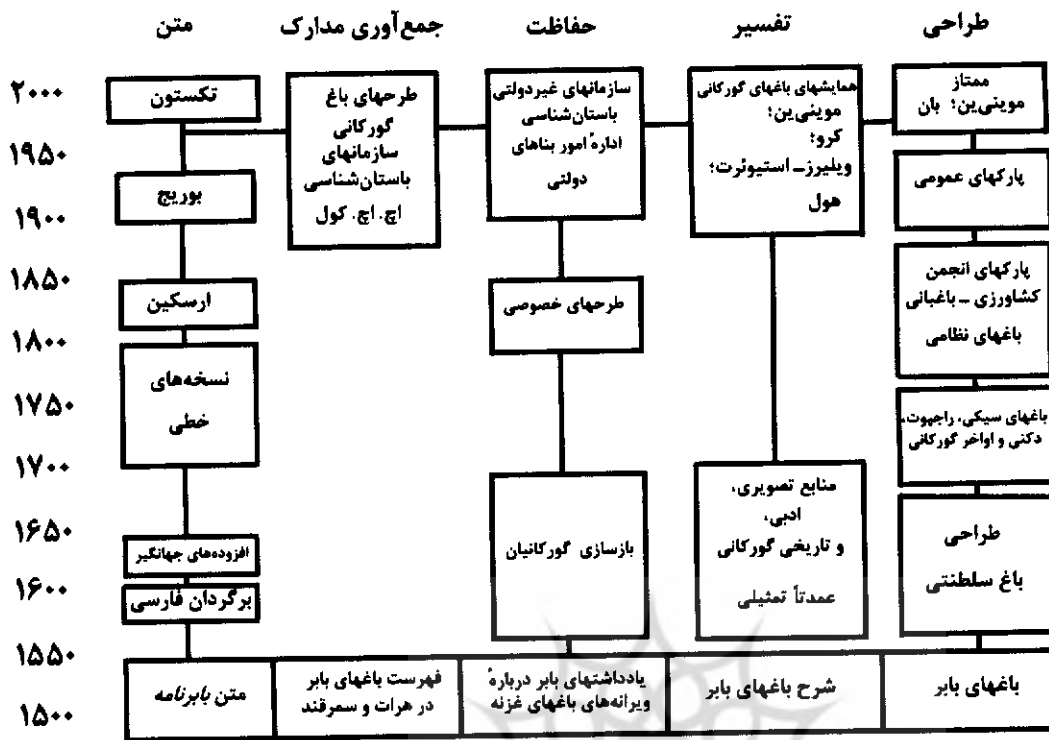
رویدادهای کشمیر و مناطق کوهستانی شمال غرب هند و افغانستان مرحله سوم و نهایی تاریخچه باغ را در دوران فرمانروایی اکبرشاه رقم زد. اکبرشاه ابتدا طی بازدیدهایش در ۱۵۸۰م از باغهای اطراف کابل بابر، از جمله بازدید از باغ-مقبره او، تحت تأثیر قرار گرفت و با ساختن چند باغ، به رقابت با جدش پرداخت؛ اما پس از فتح ایالت زیبای کشمیر، «باغ شخصی‌اش» در ۱۵۸۹م، در طراحی باغ گورکانی به پیشرفتی قطعی دست یافت. اشراف‌زادگان بعدی گورکانی در کشمیر باغهای متعددی بنا کردند و در کوششی که توفیق محلی، و نه منطقه‌ای، یافت، سبک باغ کشمیری را به دستها آوردند. کشمیر به مرکز طراحی باغ گورکانی بدل شد و در همین مقام ماند.^{۳۹}

تردید اکبرشاه در خصوص باغ، حتی در کشمیر که می‌گفتند گیاهان طبیعتش با گیاهان زیباترین باغها برابری می‌کند، ادامه یافت. اکبرشاه احساس کرد که این گلستانهای طبیعی یا طرح‌ریزی شده موجب تن‌آسانی است؛ و به‌رغم اینکه کوشید ادراک زیبایی را به سوی زهد دینی هدایت کند، به قول ابوالفضل: خرد نگذاشت بیشتر توقف کند.^{۴۰}

در این روابط متغیر میان باغ و سرزمین‌داری در قرن دهم / شانزدهم، چهار مضمون به هم مرتبط و بارز به چشم می‌خورد: ۱) تردید اکبرشاه در زمینه باغهای به‌یادگارمانده از بابر؛ ۲) نمونه‌های تازه طراحی برای آنکه به خدمت بینش سلطنتی بالنده‌ای درآید؛ ۳) پیشرفت در علوم جغرافیایی وابسته به اداره سرزمین؛ و ۴) تغییر جغرافیایی فرهنگ باغ گورکانی در کشمیر. پیشرفت اخیر

(11) Rohtas

(12) Negarcain



ت ۷. میراث مرتبط با باغ در بابرنامه

یادآور این موضوع است که تلفیق طراحی باغ و علم جغرافیا، که بابرنامه نمونه‌ای از آن بود، فراموش نشده بود؛ بلکه جای خود را به برنامه جغرافیایی و معماری نظام‌مندتری برای امپراتوری و بازگشت به پیوند تاریخی میان باغ گورکانی و محیط کوهستانی داده بود. هرچند جهانگیر توصیف منظرها را از نو متداول کرد؛ جای خالی تلفیق باری میان طراحی باغ و تحقیقات جغرافیایی در همه مناطق، به جز کشمیر، احساس می‌شد.

بازنگری در مسئله طراحی در دوره پایانی قرن بیستم، در زمانه‌ای که مطالعات باغ گورکانی و پژوهش‌های جغرافیایی جدید، به جز چند استثنا، به دور شدن از یکدیگر ادامه می‌دهند و در زمانه‌ای که این هردو رشته با مشکلات دشواری مواجه‌اند، آیا می‌توان با تأمل در این وقایع قرن دهم / شانزدهم درسهایی عملی استخراج کرد؟

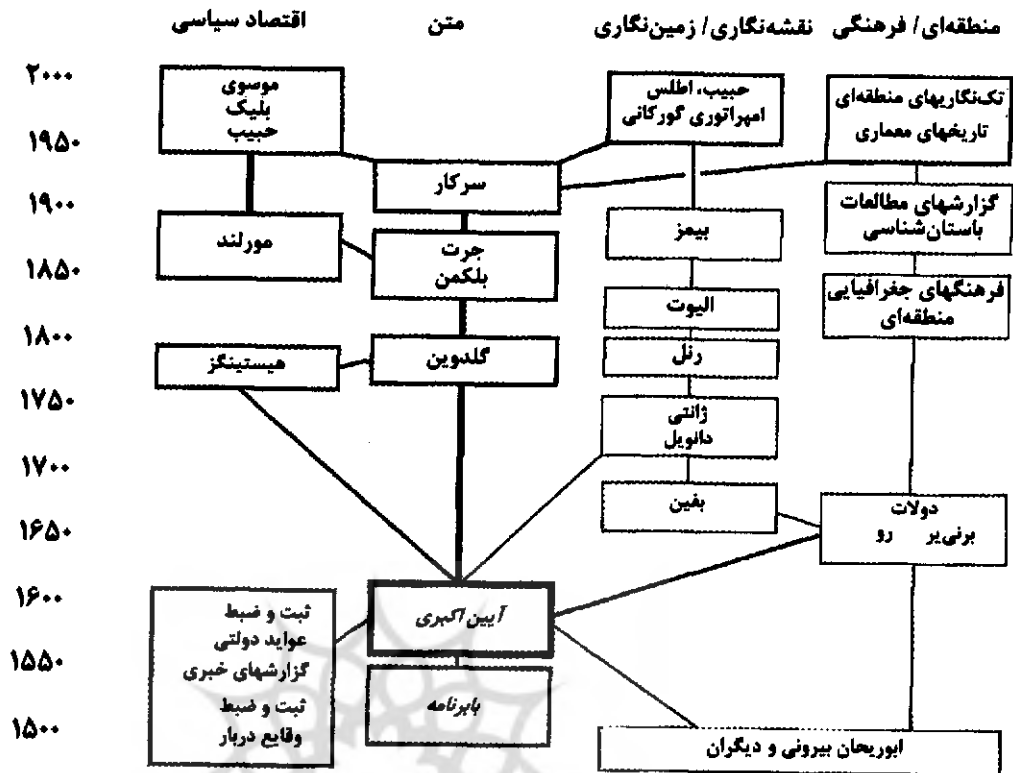
برای پرداختن به آن نوع از مشکلاتی که در باغ برادری کامران و باغ میان‌خان و باغ شالیمار یافت می‌شود، نیازمند روشهایی تاریخی هستیم که بتواند راه‌حلهایی مؤثر به دست دهد. در وهله اول، رابطه مشکل‌آفرین

و مبهم فعلی میان باغ و جغرافیا و سرزمین‌داری را در دوره‌های گذشته و تا دوره گورکانیان دنبال کردیم. سپس برای توضیح علت جدایی طراحی باغ از تحقیقات جغرافیایی طی قرن دهم / شانزدهم، از روشهای متداول تاریخی - جغرافیایی بهره گرفتیم. برای ارزیابی میراث این جدایی در معماری منظر معاصر، آخرین کار این است که تأثیر آن را تا زمان حال دنبال کنیم و از آن طریق نشان دهیم که می‌توان در تجربیات و راه‌حلهای قدیمی‌تر، نمونه‌های مشابه و مفیدی برای پرداختن به مسائل فعلی یافت. در طی چنین مسیری، با ترکیبی از تاریخ‌نگاری و مقایسه سروکار می‌یابیم. این کاری است سترگ، که تفصیلش از حوصله این مقاله بیرون است. در اینجا باید فقط چکیده‌ای از ارتباط میان «گذشته» و «حال» به دست دهیم.

تصاویر ۷ و ۸ میراث تاریخ‌نگاری دو متن بابرنامه و آیین اکبری را نشان می‌دهد و نفوذ مستمر این دو متن را، هم بر فعالیتهای محققانه و هم اجتماعی، می‌نمایاند. مقایسه این دو تصویر به درک روابط متغیر میان تاریخچه باغ و علم جغرافیا، که در شکل‌گیری وضع کنونی مؤثر بوده است، کمک می‌کند.

بازنگری در مسئله طراحی در دوره پایانی قرن بیستم، در زمانه‌ای که مطالعات باغ گورکانی و پژوهش‌های جغرافیایی جدید، به جز چند استثنا، به دور شدن از یکدیگر ادامه می‌دهند و در زمانه‌ای که این هردو رشته با مشکلات دشواری مواجه‌اند، آیا می‌توان با تأمل در این وقایع قرن دهم / شانزدهم درسهایی عملی استخراج کرد؟

برای پرداختن به آن نوع از مشکلاتی که در باغ برادری کامران و باغ میان‌خان و باغ شالیمار یافت می‌شود، نیازمند روشهایی تاریخی هستیم که بتواند راه‌حلهایی مؤثر به دست دهد. در وهله اول، رابطه مشکل‌آفرین



و بابرنامه، خود را به حوزه‌ای محدود از زمینه‌های گسترده‌تر سیاسی-اقتصادی و جغرافیایی باغ منحصر کرده‌اند. بابرنامه فقط دوره کوتاهی را در زمان پیش از تشکیل حکومت گورکانیان می‌نماید. رویدادهای بعدی دوره گورکانیان کاربری، طراحی، فراموشی، و بازسازی تاریخی باغ را به نحوی چشم‌گیر روشن می‌کند.

محققان باغ می‌توانند با مطالعه میراث آیین اکبری، دید وسیع‌تری درباره زمینه متغیر طراحی باغ به دست آورند. با وجود غنای فرهنگی متن، محقق-مدیران دوره‌های بعد بیشترین توجه را به بخشهای سیاسی و اقتصادی آن معطوف کردند. تصویر ۸ زنجیره تأثیرات آیین اکبری را در مطالعات اقتصاد سیاسی، نقشه‌نگاری، و منطقه‌ای نشان می‌دهد؛ دو زمینه مطالعاتی آخر تا حد زیادی به اولی وابسته است. به‌رغم علاقه گسترده و علمی‌ای که به بابرنامه وجود داشت؛ فرماندار کل وارن هیستینگز^(۲۰) در ۱۷۸۳ بدان سبب سفارش اولین ترجمه کامل انگلیسی آیین اکبری را به فرانسیس گلدوین^(۲۱) داد که با نفوذ فزاینده رقیبانش، یعنی انگلیسیان سودگرای چون جیمز میل^(۲۲) در سیاستهای شرکت هند شرقی مقابله

مثلاً بابرنامه پس از دوره گورکانیان تا قرن بیستم، در پژوهش، حفاظت، گردآوری مدارک، تفسیر، یا طراحی باغ تأثیر چندانی نداشت. در قرن بیستم، این متن دقیقاً به علت نقش پایداری که به باغ بخشیده بود، با توجه مشتاقانه متخصصان باغ روبه‌رو شد. متن بابرنامه، از ترجمه فارسی آن در ۱۵۹۵م تا الحاقات جهانگیر، چهارمین امپراتور گورکانی، نسخ خطی آن، و ترجمه‌های انگلیسی‌اش به دست ویلیام ارسکین^(۱۳)، و آنب پوریج^(۱۴) و اخیراً ویلر تکستون^(۱۵)، پیوسته در دست پژوهش بوده است. علاقه مستمر به متن بابرنامه به موازات میراثی در طراحی باغ است که می‌توان آن را از زمان نثر و طرحهای قدیمی بابر تا زمان باغهای متأخرتر گورکانی، باغهای سیکی^(۱۶)، باغهای دوره استعمار، و پارکهای امروزی دنبال کرد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، طراحی به این سنت بازگشت-به‌خصوص در طراحی مدرسه دون^(۱۷)، در نزدیکی لاهور، به دست کمال‌خان ممتاز، هتل جی محل در جیبور به دست الیزابت موینی^(۱۸)؛ و هتل شرایتون گورکانی در آگرا به دست راوی بان^(۱۹). اما محققان امروزی باغ به علت تمرکز بر باغهای قدیمی

(13) William Erskine

(14) Annette Beveridge

(15) Wheeler Thackston

(16) Sikh

(17) Doon

(18) Elizabeth Moynihan

(19) Ravi Bahn

(20) Warren Hastings

(21) Francis Gladwin

(22) James Mill

کند. ترجمه‌های بعدی جرت^(۲۳) و بلکمن^(۲۴) و سرکار^(۲۵) به تحلیل‌های تکمیلی سازمانی و اقتصادی مورلند^(۲۶) در اواخر قرن نوزدهم و به برداشتهای تازه و انتقادی‌تر عرفان حبیب^(۲۷) و استفان بلیک^(۲۸) و شیرین موسوی از اقتصاد سیاسی گورکانیان یاری رساند.^{۶۱}

آیین اکبری همچنین در توصیف‌های نقشه‌نگاشتی و مکان‌نگاشتی اثر گذاشت؛ چرا که این کتاب در اوایل دوره نقشه‌نگاری جدید اروپایی از هند مهم‌ترین منبع بود. نقشه‌های حاصل گاهی شامل عوارض مرتبط به باغ یا جای‌نام^(۲۹) بود، مانند مشخص بودن «شالیمار» در نزدیکی دهلی روی نقشه دَنویل^(۳۰) در ۱۷۵۲م و نیز روی نقشه‌ای که برنییر^(۳۱) از کشمیر تهیه کرده بود؛ اما در آنها به محدوده‌های درآمد و راهها و آبادیها نیز توجهی دقیق شده بود.^{۶۲} اطلس زانتی^(۳۲) از امپراتوری گورکانی در ۱۷۷۰ نشان‌دهنده مرحله گذار از تلاش در به‌کارگیری *آیین اکبری* برای مقاصد عملی تا تهیه نقشه برای تحلیل‌های جغرافیای تاریخی به دست آج. ام. الیوت^(۳۳)، جان بیمس^(۳۴)، و بعدها عرفان حبیب است.^{۶۳}

این کوشش‌های نقشه‌نگارانه با فرهنگ‌های جغرافیایی و مطالعات باستان‌شناسی منطقه، که سرشتی خشک و اداری داشت، مرتبط بود؛ همچون توصیف ابوالفضل از دوازده صوبه؛ اما به هیچ‌وجه به بینش جغرافیایی کاملاً فرهنگی *آیین اکبری* و توصیف‌های قدیمی اروپایی، مانند توصیف‌های رو^(۳۵) و برنییر و دولات^(۳۶)، نمی‌رسد. اخیراً تلاش‌های متعددی برای ادغام نگرش‌های دیوانی و نگرش‌های مرتبط با معماری منظر در زمینه‌ای منطقه‌ای شده است.^{۶۴} مطالعات منطقه‌ای و تاریخ هنری حاکی از آن است که باغ برای نخبگان نقش مهمی در شهرهای برگزیده و نواحی طبیعی و راهها داشته است؛ باغ نه همواره در نواحی تحت تسلط گورکانیان حضور داشته است و نه در نواحی پیرامونی یکسره غایب بوده است. در این مطالعات بر نیاز به تحقیقات میدانی پایه در سطح کلان‌شهرها و مناطق برای درک اهمیت باغ (هم از منظر محلی و هم از منظر نخبگان) در درون منظرهای منطقه‌ای نیز تأکید می‌شود.

میراث متفاوت *بابرنامه* و *آیین اکبری* به توضیح علت تأثیر ناچیز محققان باغ و همکاران دیوانی‌شان بر یکدیگر کمک می‌کند. محققان تاریخ هنر و جغرافی‌دانان

و مورخان کم کردن این فاصله را آغاز کرده‌اند؛ اما «مسئله طراح» به چیزی بیش از جغرافیای تاریخی و تاریخ‌نگاری نیاز دارد. این مسئله مستلزم استفاده علمی از مقایسه است؛ اما نه مقایسه‌ای سطحی که به روزهای خوش یا ناخوش گذشته و به باغهای گورکانی بازگردد؛ نه مقایسه‌ای که به دنبال موجه جلوه دادن یا همانندسازی قالب باغهای تاریخی باشد؛ نه مقایسه‌ای که در جستجوی پیشینه تاریخی یا در پی انطباق دقیق موقعیتهای گذشته با حال باشد؛ نه مقایسه‌ای که برخی طراحان را تشویق کند که به تقلید از بابر باغهای تازه را با تصرفات تازه و قدرت تجاوزکارانه پیوند دهند؛ یا به تقلید از اکبرشاه، فارغ از مرزهای آشوب‌زده، در نواحی خرم و با دل‌مشغولی اندک درباره جریانه‌های سرزمینی و اقتصادی، که این نواحی وابسته به آن‌اند، در پی خلوقی برای پرداخت مهارت‌هایشان باشند. به جای اینها، رویکردهای تاریخی‌گرانه به مسائل در مکانهایی همچون باغ میان‌خان، برادری کامران، و باغ شالیمار نیازمند علم مقایسه است؛ علمی که در پدید آوردن راههایی برای حل مشکلات حادی که باغهای گورکانی و نواحی پیرامون‌شان را فراگرفته است، از جغرافیای تاریخی، تاریخ‌نگاری، و تحلیل کمک بگیرد. این مشکلات حاد عبارت است از: مشکلات دسترس عمومی و استفاده خصوصی، هویت و تضاد فرهنگی، سلامت و تباهی محیط زیست، و عرفها و ضوابط متغیر حفاظتی. چنین قیاس‌هایی تاکنون تلویحی بوده است؛ اما در تلاش برای هماهنگ کردن حفاظت از میراث فرهنگی و توسعه شهری و مدیریت زیست‌محیطی، باید تصمیمی شود. اینها مسائل زنده باغهای گورکانی است که علوم جغرافیایی می‌تواند به آنها بپردازد و همه ما می‌توانیم در این کار مشارکت کنیم. □

- (23) Jarrett
- (24) Blockmann
- (25) Sarkar
- (26) moreland
- (27) Irfan Habib
- (28) Stephen Blake
- (29) toponym
- (30) d'Anville
- (31) Bernier
- (32) Gentil's atlas
- (33) H. M. Elliot
- (34) John Beames
- (35) Roe
- (36) de Late

- A Journal of Environment, Culture, Meaning* 1, 1994, pp. 7-50.
- Cole, H. H. *First Report of the Curator of Ancient Monuments in India, for the Year 1881-1882*, Simla, Government Central Branch Press, 1882.
- Crane, Howard. "The Patronage of Zahir al-Din Babur and the Origins of Mughal Architecture", in: *Bulletin of the Asia Institute* 1 (1987), pp. 95-110.
- Eickelman, Dale F. and James Piscatori (eds.). *Muslim Travelers Pilgrimage, Migration and the Religious Imagination*, Berkeley, University of California Press, 1990.
- Gole, Susan. *India within the Ganges*, New Delhi, Jayaprints, 1983.
- _____. *Maps of Mughal India, Drawn by Colonel Jean-Baptiste-Joseph Gentil, Agent for the French Government to the Court of Shuja-ud-Daula at Faizabad, in 1770*, New Delhi, Manohar Publications, 1988.
- Gulbadan Begum. *Humayun-Nama*, transl. Annetts S. Beveridge, Lahore, Sang-e-Meel, 1987.
- Habib, Irfan. *An Atlas of the Mughal Empire: Political and Economic Maps with Detailed Notes, Bibliography and Index*, Delhi, Oxford University Press, 1986.
- _____. "Cartography in Mughal India", in: *Medieval India: A Miscellany* 4 (1977), pp. 122-134.
- _____. *The Agrarian System of Mughal India (1556-1707)*, New York, Asia Publishing House, 1963.
- Harley, J. Brian and David Woodward (eds.), *The History of Cartography*, vol. 2, bk 1, *Cartography in the Traditional Islamic and South Asian Societies*, Chicago, University of Chicago Press, 1992.
- Havell, E. B. "Indian Gardens", in: *House and Gardens* 6, 1904, pp. 213-220.
- Hugel, Baron Charles von. *Travels in Kashmir and the Punjab*, ed. and transl. T. B. Jervis, Lahore, Qausain, 1976.
- James, Willaim. *The Will to Believe and Other Essays in Philosophy*, New York, Dovei, 1956.
- Keri, Ian. "The Agri-Horticultural Society of the Punjab, 1851-1871", in: *Punjab Past and Present, Essays in Honour of Dr. Ganda Singh*, eds. H. Singh and N. Gerald Barrier, Patiala, Punjab University, 1976.
- Kirke, Gilmore Hankey. *Conservation of the Cultural Heritage in Pakistan, Policy and Practice in the walled City of Lahare*, Washington D.C., World Bank, 1993, 2 vols.
- Koch, Ebba. "The Delhi of the Mughals prior to Shahjahanabad as Reflected in the Patterns of Imperial Visits", in: A. J. Qaisar and S. P. Verma (eds.), *Felicitation Volume In Honour of Professor S. Nurul Hasan Art and Culture*, Jaipur, Publication Scheme, 1993, pp. 3-20.
- _____. *Mughal Architecture: An Outline of Its History and Development*, Munich, Prestel Verlag, 1991.
- Ahmed, S. Maqbul. "Djughrafiya", *Encyclopaedia of Islam*, vol. 2, pp. 575-587.
- Allami, Abu'l Fazl ibn. *Akburnama*, 3 vols., ed. H. Blochmann, transl. Henry Beveridge, Lahore, Book Traders, 1939.
- _____. *Ain-i Akbari*, 3 vols.; vol. 1, transl. H. Blochmann, revised by D. C. Phillot; vols. 2 and 3 transl. by H. S. Jarrett, revised by J. N. Sarkar, Lahore, Low Price Publications, 1989.
- Asher, Catherine B. *Architecture of Mughal India*, New Cambridge History of India, vol. 1, 4, Cambridge, Cambridge University Press, 1992.
- _____. "Babur and the Timurid Char Bagh", in: *Environmental Design*, nos. 1 and 2, pp. 46-55.
- Babur, Zahir al-Din Muhammad. *Babur-nama*, transl. Annette S. Beveridge, Lahore, Sang-e-Meel Publications, 1987.
- Badauni, Abd al-Qadir. *Muntakhab al-Tavarikh*, vol. 2, ed. M. A. Ali, transl. W. H. Lowe, Delhi, Idarah-i Adabiyat-i Delli, 1972, p. 381, 398.
- Bayly, Christopher A. "Knowing the Country: Empire and Information in India", in: *Modern Asian Studies* 27 (1993).
- Beames, John. "Notes on Akbar's Subahs with Reference to the Ain-i Akbari: Bengal and Orissa", in: *Journal of the Asiatic Society of Bengal* 65, 1896, pp. 83-136, 743-765.
- _____. "On the Geography of India in the Reign of Akbar, Part 1, Subah Awadh", in: *Journal of the Asiatic Society of Bengal* 53 (1884), pp. 215-232.
- _____. "On the Geography of India in the Reign of Akbar, Part 2, Subah Bihar", in: *Journal of the Asiatic Society of Bengal* 54 (1885), pp. 162-182.
- al-Biruni, Abu Raihan. *Alberuni's India*, transl. E. Sachau, Lahore, Sheikh Mubarak Ali, 1962, 2 vols.
- Blake, Stephen. "The Hierarchy of Central Places in North India during the Mughal Period of Indian History", in: *South Asia* 6 (1983), pp. 1-32.
- Brand, Michael. "Mughal Ritual in Pre-Mughal Cities: The Case of Jahangir at Mandu", in: *Environmental Design*, no. 1 (1991), pp. 8-17.
- _____. "Orthodoxy, Innovation, and Revival: Considerations of the Past in Imperial Mughal Tomb Architecture", in: *Muqarnas* 10, 1993, pp. 323-334.
- _____. and Glenn D. Lowry (eds.). *Fatehpur Sikri*, Bombay, Marg Publications, 1987.
- Blake, Stephen. "The Patrimonial-Bureaucratic Empire of the Mughals", in: *Journal of Asian Studies* 39 (1979), pp. 77-94.
- Butzer, Karl. "The Islamic Traditions of Agroecology: Crosscultural Experience, Ideas, and Innovations", in:

- Singh, Chetan. "Centre and Periphery in the Mughal State: The Case of Seventeenth Century Panjab", in: *Modern Asian Studies* 22 (1988), pp. 299-318.
- _____. *Region and Empire: Panjab in the Seventeenth Century*, Delhi, Oxford University Press.
- Stafford, Barbara. *Journey into Substance*, Cambridge, Mass., MIT Press, 1984.
- Streusand, Douglas E. *The Formation of the Mughal Empire*, Oxford, Oxford University Press, 1989.
- Subramanyam, Sanjay. "The Mughal State – Structure or Process? Reflections on Recent Western Historiography", in: *Indian Economic and Social History Review* 29 (1992), pp. 291-321.
- Tillotson, G. H. R. *The Indian Tradition*, New Haven, Conn, Yale University Press, 1989, pp. 99-100.
- Villiers-Stuart, Constance Mary. *Gardens of the Great Mughals*, London, A & C Black, 1913.
- Wescoat, James L. (Jr.). "Early Water Systems in Mughal India", in: *Environmental Design*, no. 2, pp. 50-57.
- _____. "Gardens of Conquest and Transformation: Lessons from the Earliest Mughal Gardens in India", in: *Landscape Journal* 10 (1991), pp. 105-114.
- _____. "Gardens of Invention and Exile: The Precarious Context of Mughal Garden Design during the Reign of Humayun (1530-1556)", in: *Journal of Garden History* 10 (1990), pp. 106-116.
- _____. "Gardens, Urbanization, and Urbanism in Mughal Lahore, 1531-1657", in: James L. Wescoat Jr. and Joachim Wolschke-Bulmahn (eds.), *Mughal Gardens: Sources, Places, Representations, Prospects*, Washington D.C., Dumbarton Oaks, 1996, pp. 139-169.
- _____. "Gardens vs. Citadels: The Territorial Context of Early Mughal Gardens", in: John Dixon Hunt (ed.), *Garden History: Issues, Approaches, Methods*, Washington D. C., Dumbarton Oaks, 1992, pp. 331-358.
- _____. "Picturing an Early Mughal Garden", in: *Asian Art* 2, 1989, pp. 59-79.
- _____. "Ritual Movement and Territoriality: A study of Landscape Transformation during the Reign of Humayun", in: *Environmental Design*, nos. 1-2 (1991), pp. 56-63.
- _____. "Toward a Map of Lahore: A Survey of Cartographic Sources from 1590 to 1990", in: *Environmental Design*, no. 1 (1993), pp. 186-193.
- _____. "The Geographical Meaning of Shalamar Garden", in: Sajjad Kausar, Michael Brand, and James L. Wescoat Jr. (eds.), *Shalamar Garden: Landscape, Form, and Meaning*, Karachi, Pakistan Department of Archaeology and Museums, 1990, pp. 45-58.
- _____. "Waterworks and Culture in Metropolitan Lahore", in: *Asian Art and Culture* (in press).
- _____. and Joachim Wolschke-Bulmahn, "A Perspective of Mughal Gardens", in: *Mughal Gardens*
- Lowry, Glenn D. "The Tomb of Nasir ud-Din Muhammad Humayun", PhD dissertation, Harvard University, 1982.
- _____. "Humayun's Tomb: Form, Function and Meaning in Early Mughal Architecture", in: *Muqarnas* 4 (1987), pp. 133-148.
- Marshall, John. *Conservation Manual: A Handbook for the Use of Archaeological Officers and Others Entrusted with the Care of Ancient Monuments*, Calcutta, Superintendent of Government Printing, 1923.
- Melville, Charles. "The Itineraries of Sultan Oljeitu, 1304-1316", in: *Iran* 28 (1990), pp. 55-70.
- Moosvi, Shireen. *The Economy of the Mughal Empire, c 1595. A Statistical Study*, Delhi, Oxford University Press.
- Moynihan, Elizabeth B. "The Lotus Garden Palace of Zahir al-Din Muhammad Babur", in: *Muqarnas* 5, 1988, pp. 134-152.
- Mughal, M. Rafique. "Theory and Practice in Garden Conservation", paper presented at the International Symposium on Mughal Gardens, Lahore, November 5-19, 1993 (forthcoming publication).
- O'kane, Bernard. "From Tents to Pavilions: Royal Mobility and Persian Palace Design", in: *Ars Orientalis* 23, 1993, pp. 249-268.
- Parihar, Subhash. *Mughal Monuments in Punjab and Haryana*, Delhi, Inter-India Publications, 1985.
- Petrucchioli, Attilio. *Fatehpur Sikri La Citta del sole e delle acque*, Rome, Carucci Editore, 1988.
- _____. "Il Giardini Moghul del Kashmir", in: Attilio Petrucchioli (ed.), *Il Giardino Islamico: Architettura, Natura, Paesaggio*, Milan, Electa, 1994, pp. 249-266.
- Qureshi, I. H. *The Administration of the Mughal Empire*, Karachi, University of Karachi, 1966.
- Rehman, Abdul and James L. Wescoat Jr. *Pivot of the Punjab: The Historical Geography of Medieval Gujarat*, Lahore, Dost Publishers, 1993.
- Rahman Dar, Saifur. *Some Ancient Gardens of Lahore, Lahore*, Newline Printing Press, 1989.
- Richards, John. *The Mughal Empire*, New Cambridge History of India, vol. 1, 5, Cambridge, Cambridge University Press, 1993.
- Sack, Robert D. *Human Territoriality: Its Theory and History*, Cambridge, Cambridge University Press, 1986.
- Saifur Rahman Dar, *Some Ancient Gardens of Lahore, Lahore*, Newline Printing Press, 1989, p. 9.
- Schwartzberg, Joseph E. *An Historical Atlas of South Asia*, Oxford, Oxford University Press, 1992.
- Siddiqui, M. Z. "The Intelligence Services under the Mughals", in: *Medieval India, A Miscellany* 2 (1972), pp. 54-60.

6. Baron Charles von Hugel, *Travels in Kashmir and the Punjab*, p. 156.

۷. این گونه مباحث را در دیگر زمینه‌ها نیز، به منزله مباحث تابع دشواریهای «ذهنیت متکی بر حال» و «تاریخ‌نگاری»، نقد کرده‌اند. شاید داگلاس استروتنسند در این مسیر بیش از دیگران پیش رفته و تاریخ‌نگاران مدرن بعد از دوره گورکانیان را در دسته‌های «فرقه‌گرایان هندو»، «فرقه‌گرایان مسلمان»، «اقتصاددانان سیاسی سکولار»، و غیره توصیف کرده است. این طبقه‌بندی از بعضی جهات ضعیف عمل می‌کند و در آن، روابط ضروری میان تاریخ‌نویسان و زمانه آنان منظور نمی‌شود. نک:

Streusand, *The Formation of the Mughal Empire*.

من وجود دشواریهای «حالگری» (presentism) یعنی سوء‌تعبیر و تحریف را تصدیق می‌کنم؛ اما آن را چیزی بیش از تعمیم ارزش پژوهش سودمند در مسائل امروزی منظر می‌شمارم.

8. Wescoat Jr., "Waterworks and Culture in Metropolitan Lahore".

۹. در نشیق که راجع به باغهای گورکانی به همت دامبارتون اوکس و نگارخانه آرتور ام. سکلی در ۱۴-۱۵ مه ۱۹۹۲ برگزار شد؛ پروفیسور رابرت رایلی، از دانشگاه ایلینویز، پرسش مذکور را مطرح و این توضیح را اضافه کرد که «ما باید در مقابل دانشجویان طراحی از حد افسانه‌ها و عقاید نادرست پا فراتر بگذاریم.» برای مشاهده شرح کامل این نشست، نک:

Wescoat Jr. and Wolschke-Bulmahn (eds.), *Mughal Gardens: Sources, Representations, Places, prospects*.

10. Wescoat Jr., "Toward a Map of Lahore", no. 1, pp. 186-193.

11. Saifur Rahman Dar, *Some Ancient Gardens of Lahore*, p. 19.

12. Ibid, p. 9; Wescoat Jr., Brand, and Naeem Mir, "The hahdara Gardens of Lahore", pp. 333-366.

13. M. Rafique Mughal, "Theory and Practice in Garden Conservation"; Kirke, *Conservation of the Cultural Heritage in Pakistan, Policy and Practice in the walled City of Lahore*; Wescoat Jr. and Wolschke-Bulmahn, "The Mughal Gardens of Lahore", pp. 19-33.

14. Wescoat Jr., "Gardens, Urbanization, and Urbanism in Mughal Lahore, 1531-1657", pp. 139-169; idem, "The Geographical Meaning of Shalamar Garden", pp. 45-58.

۱۵. دستمزد این باغبانان در حد کارگر ساده است و میزان آن بسیار کمتر از مزد مالیهای (mali) تعلیم‌دیده‌ای است که در اندرونی خدمت اهل خانه را می‌کنند. هیچ‌یک از کارکنان فعلی از نسل مالیها نیستند. مصاحبه‌های باغ شالیمار، اکتبر ۱۹۹۴.

۱۶. مفهوم موضوعات و تصمیمات «زندگی» در این منبع بحث شده است:

Willaim James, *The Will to Believe and Other Essays in Philosophy*, pp. 2-3.

17. John Richards, *The Mughal Empire*, vol. 1, 5.

18. Schwartzberg, *A Historical Atlas of South Asia*.

این کتاب بیشتر شامل تصاویری بسیار دقیق از حکومت گورکانی است تا مظهرهای فرهنگی. این شکاف در منبع زیر، که فاقد هرگونه تصویر فرهنگی است، عمیق‌تر شده است:

Irfan Habib, *An Atlas of the Mughal Empire*.

Sources, Representation, Places, Prospects, Washington D.C., Dumbarton Oaks, 1996, pp. 5-29.

_____ and Joachim Wolschke-Bulmahn (eds.), *Mughal Gardens: Sources, Representations, Places, prospects*, Washington, D.C., Dumbarton Oaks, 1996.

_____ and Joachim Wolschke-Bulmahn. "The Mughal Gardens of Lahore: History, Geography and Conservation Issues", in: *Die Gartenkunst* 6 (1994), pp. 19-33.

_____, Michael Brand, and M. Naeem Mir. "The Shahdara Gardens of Lahore: Site Documentation and Spatial Analysis", in: *Pakistan Archaeology* 25 (1993), pp. 333-366.

پی‌نوشتها:

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

James L. Wescoat Jr., "Mughal Gardens and Geographic Sciences, Then and Now", in: *Gardens in the Time of the Great Muslim Empires: Theory and Design*, pp. 187-202.

2. Asher, "Babur and the Timurid Char Bagh", nos. 1 and 2, pp. 46-55; Moynihan, "The Lotus Garden Palace of Zahir al-Din Muhammad Babur", pp. 134-152; Wescoat Jr., "Early Water Systems in Mughal India", no. 2, pp. 50-57; idem, "Picturing an Early Mughal Garden", pp. 59-79.

۳. درباره روابط میان قدرت سلطنتی و خرده‌سلطنتی، نک:

Asher, *Architecture of Mughal India*, vol. 1, 4.

برای بدست آوردن چشم‌اندازی کلان از منطقه، نک:

Stephen Blake, "The Hierarchy of Central Places in North India during the Mughal Period of Indian History", pp. 1-32.

در منابع زیر، محققان گوناگون درباره تقسیمات سرزمینی در معماری و طراحی باغ بحث کرده‌اند:

Brand and Lowry (eds.), *Fatehpur Sikri*; Wescoat Jr., "Gardens of Invention and Exile", pp. 106-116; idem, "Gardens of Conquest and Transformation", pp. 105-114; idem, "Ritual Movement and Territoriality", nos. 1-2, pp. 56-63.

4. Sack, *Human Territoriality: Its Theory and History*, p. 19.

۵. برای مطالعه کامل این متون گسترده، نک:

S. Maqbul Ahmed, "Djughrafiya", pp. 575-587; Harley and Woodward (eds.), *The History of Cartography*, vol. 2, bk 1; Eickelman and Piscatori, (eds.), *Muslim Travelers Pilgrimage, Migration and the Religious Imagination*.

Abu'l Fazl ibn Allami, *Ain-i Akbari*, vol. 1.

37. Abu Raihan al-Biruni, *Alberuni's India*.

38. Abd al-Qadir Badauni, *Muntakhab al-Tavarikh*, pp. 381, 398.

قس: یادداشت بابر مبنی بر اینکه تیمور دره سیراب زرقشان را به منزله باغ خصوصی خود توصیف می‌کند:

Babur, op. cit., p. 84.

۳۹. نسخه‌ای که در اینجا از آن استفاده شده است:

Abu'l Fazl ibn Allami, *Akburnama*.

40. Gulbadan Begam, *Humayun-Nama*, p. 83.

41. *ibid.*, p. 108.

42. Wescoat Jr., "Gardens of Invention and Exile", pp. 106-116.

43. *Muntakhab al-Tavarikh*, vol. 2, p. 191.

44. *Akbarname*, vol. 2, p. 416.

۴۵. شهاب‌بیگ و بایرام‌خان طی دو حادثه در باغ به قتل رسیدند.

Akbarname, vol. 2, p. 128, 201.

46. *Akbarname*, vol. 2, p. 579.

47. *Muntakhab al-Tavarikh*, vol. 2, pp. 260-261.

48. *Akbarname*, vol. 2, p. 4; *Muntakhab al-Tavarikh*, vol. 2, p. 8.

49. *Akbarname*, vol. 2, p. 118.

با وجود این، ابوالفضل آگره را به جای کابل با بغداد مقایسه می‌کند.

50. Brand, "Orthodoxy, Innovation, and Revival: Considerations of the Past in Imperial Mughal Tomb Architecture", pp. 323-334; Lowry, "The Tomb of Nasir ud-Din Muhammad Humayun"; *idem*, "Humayun's Tomb: Form, Function and Meaning in Early Mughal Architecture", pp. 133-148.

۵۱. درباره روابط میان مسافرت سلطنتی و تجربه منظر، نک:

Ebba Koch, "The Delhi of the Mughals prior to Shahjahanabad as Reflected in the Patterns of Imperial Visits", pp. 3-20; Melville, "The Itineraries of Sultan Oljeitu, 1304-1316", pp. 55-70; O'kane, "From Tents to Pavilions: Royal Mobility and Persian Palace Design", pp. 249-268; James L. Wescoat, Jr., "Gardens of Conquest and Transformation"; *idem*, "Ritual Movement and Territoriality".

52. *Akbarname*, vol. 2, pp. 187-188, 365-366.

برای تأثیر گجرات در معماری گورکانی، نک:

Ebba Koch, *Mughal Architecture: An Outline of Its History and Development*.

برای تأثیر گجرات در طراحی باغ، نک:

Wescoat Jr., "Gardens of Invention and Exile", pp. 109-110.

53. *Akbarname*, vol. 2, pp. 357-358.

قس:

Brand, "Mughal Ritual in Pre-Mughal Cities: The Case of Jahangir at Mandu", no. 1, pp. 8-17.

19. Sanjay Subramanyam, "The Mughal State—Structure or Process?", pp. 291-321.

20. Bayly, "Knowing the Country: Empire and Information in India", p. 28.

21. *ibid.*, p. 43.

همچنین نک:

Siddiqui, "The Intelligence Services under the Mughals", pp. 54-60.

۲۲. برای بحث درباره کاهش علاقه اروپاییان به باغها در طول «دوره اکتشاف» و رشد تاریخ طبیعی، نک:

Barbara Stafford, *Journey into Substance*.

23. Wescoat Jr. and Wolschke-Bulmahn, "A Perspective of Mughal Gardens", pp. 5-29.

24. Cole, *First Report of the Curator of Ancient Monuments in India, for the Year 1881-1882*.

برای بحث درباره اینکه پلانهای معماری به زبان حفظ فنون سنتی ساختمان عمل کرده است، نک:

Tillotson, *The Indian Tradition*, pp. 99-100.

25. Havell, "Indian Gardens", pp. 213-220.

26. Villiers-Stuart, *Gardens of the Great Mughals*.

۲۷. برای مقاله ریچارد تیل، محقق - مدیر نامدار، در ستایش متواضعانه از ویلریز - استیونرت، نک:

Indian Antiquary, no. 43 (1913), p. 48.

۲۸. با توجه به نقش باغهای مستعمراتی، که شایسته توجه بیشتری است، نک:

Ian Keri, "The Agri-Horticultural Society of the Punjab, 1851-1871".

29. John Marshall, *Conservation Manual*.

۳۰. قس:

Karl Butzer, "The Islamic Traditions of Agroecology", pp. 7-50.

۳۱. نسخه استفاده شده در:

Zahir al-Din Muhammad Babur, *Babur-nama*.

تحلیل داستان بابرنامه در منابع زیر آمده است:

Howard Crane, "The Patronage of Zahir al-Din Babur", pp. 95-110; Wescoat Jr., "Gardens vs. Citadels", pp. 331-358; *idem*, "Gardens of Conquest and Transformation", pp. 105-114.

32. Babur, op. cit., pp. 1-12.

33. *ibid.*, pp. 74-86.

34. *ibid.*, pp. 199-227.

35. *ibid.*, pp. 478-521, 532.

برای بحث انتفاعکننده‌ی الزامیت بی. مویفین، نک:

Wescoat and Wolschke-Bulmahn (eds.), *Mughal Gardens*.

به عقیده او، انتقادات بابر از هندوستان به سبب مشاهدات مناسب اوست که پراهمیت شده است. شاید انتقادات بابر را باید تا حدی به منزله شیوه‌ای بیانی تلقی کرد که او برای نشان دادن سهم خود در ایجاد منظر به کار می‌برده است.

۳۶. نسخه استفاده شده در:

54. Blake, "The Patrimonial-Bureaucratic Empire of the Mughals", pp. 77-94; Qureshi, *The Administration of the Mughal Empire*.

55. Asher, *Architecture of Mughal India*, p. 98; Wescoat, "Gardens vs. Citadel", pp. 340-348.

در کاری هم که اخیراً روی فتحپور سیکری انجام شده، در این اندیشه بحث شده است، از جمله:

Petruccioli, *Fatehpur Sikri La Citta del sole e delle acque*; Brand and Lowry, *Fatehpur Sikri*.

56. Badauni, *Muntakhab al-Tavarikh*, vol. 2, p. 176.

57. *ibid*, vol. 2, p. 218.

58. *Akbarnama*, 3: 817.

59. Petruccioli, "Il Giardini Moghul del Kashmir", pp. 249-266.

60. *Akbarnama*, vol. 3, p. 835.

61. Blake, "The Hierarchy of Central Places in North India"; Irfan Habib, *The Agrarian System of Mughal India (1556-1707)*.

۶۲. نک:

Susan Gole, *India within the Ganges*; *idem*, *Maps of Mughal India, Drawn by Colonel Jean-Baptiste-Joseph Gentil*.

۶۳. نخستین نقشه برداری دقیق زیر نظر جان بیمز صورت گرفت:

Beames, "On the Geograpy of India in the Reign of Akbar, Part 1, Subah Awadh", pp. 215-232; *idem*, "On the Geography of India in the Reign of Akbar, Part 2, Subah Bihar", pp. 162-182; *idem*, "Notes on Akbar's Subahs with Reference to the Ain-i Akbari: Bengal and Orissa", pp. 83-136, 743-765.

برای مشاهده بسط و نتیجه این طرح، نک:

Habib, *Atlas of the Mughal Empire*.

همچنین، نک:

idem, "Cartography in Mughal India", pp. 122-134.

64. Chetan Singh, *Region and Empire*; *idem*, "Centre and Periphery in the Mughal State", pp. 299-318; Abdul Rehman and James L. Wescoat Jr., *Pivot of the Punjab*; Asher, *The Architecture of Mughal India*; Subhash Parihar, *Mughal Monuments in Punjab and Haryana*.



شعبه پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی